

An Analytical Study of the Methods Used by the Infallibles in Referencing the Qur'an to Promote Qur'anic Culture in Society

Mohammad Mohaqqueq¹ 

1. Assistant Professor, Department of Qur'anic and Hadith Sciences, Isfahan Branch, University of Qur'anic Sciences and Teachings, Qom, Iran.
(Corresponding Author)

Corresponding Email: mohagheh@quran.ac.ir

 <https://doi.org/10.22034/jksl.2025.485894.1404>

Article History:

Received: 2024-10-28

Revised: 2025-01-08

Accepted: 2025-01-19

Online First: 2025-06-02

Keywords

Qur'anic references,
referencing the Qur'an,
methods of Qur'anic referencing,
Qur'anic culture,
exegetical traditions,
typology of exegetical narrations,
narrative exegesis.

Type of Article:

Research

Abstract: The status of the Qur'an and the Ahl al-Bayt-two enduring legacies of the Prophet (peace be upon him)-and the importance of adherence to them to avoid deviation are well established among Muslims. The Prophet is introduced in the Qur'an as an exemplary model (uswatun hasanah), and the Ahl al-Bayt (peace be upon them), as his successors, are likewise seen as guides. Their words and actions are firmly grounded in the Qur'an, and they referred to it in diverse ways, which this study seeks to examine and explain. This descriptive-analytical study aims to identify the various modes of Qur'anic referencing employed by the Infallibles and to clarify how these methods contributed to the promotion of Qur'anic culture in society. The Infallibles referenced both the outward meanings of the Qur'an (including prohibitions, general and specific statements, implications, and exceptions) and its deeper dimensions. In some cases, they generalized Qur'anic content or referred to all verses concerning a specific theme. The findings show that the Ahl al-Bayt referenced the Qur'an through preliminary invocation, dialectical argumentation, and in response to questions. The abundance and variety of such references reflect a deliberate cultural strategy to normalize Qur'anic engagement among the Shi'a. A clear explanation of this tradition can inspire followers of the Ahl al-Bayt to emulate them by centering the Qur'an in their lives and substantiating their speech and actions with it.

How to cite:

Mohaqqueq, Mohammad. (2025). An Analytical Study of the Methods Used by the Infallibles in Referencing the Qur'an to Promote Qur'anic Culture in Society. *Quran, Culture And Civilization*, 6 (2), 65-86.

<https://doi.org/10.22034/jksl.2025.485894.1404>

©2025 by the authors. Licensee University of Quranic Studies and Sciences this article an open access article distributed under the term and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CCBY 4.0)

<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>





بررسی روش‌های معصومان در استناد به قرآن، با هدف ترویج فرهنگ قرآنی در جامعه

محمد محقق^۱ 

<https://doi.org/10.22034/jksl.2025.485894.1404> 

دریافت: ۱۴۰۳-۰۸-۰۷

بازنگری: ۱۴۰۳-۱۰-۱۹

پذیرش: ۱۴۰۳-۱۰-۳۰

انتشار آنلاین: ۱۴۰۴-۰۳-۱۲

مقاله: پژوهشی

چکیده

جایگاه قرآن و اهل بیت این دو یادگار پیامبر ﷺ و اهمیت تمسک به آن دو برای گمراه نشدن پس از ایشان، بر مسلمانان پوشیده نیست. پیامبر در قرآن به عنوان اسوه حسنه معرفی شده و به تبع آن اهل بیت ﷺ نیز در جایگاه وصایت و جانشینی بعد از پیامبر، از این منزلت برخوردارند. از سوی دیگر، قول و عمل معصومان مستند به قرآن است و ایشان به شیوه‌هایی که بررسی و تبیین خواهد شد، به قرآن استناد کرده‌اند. این پژوهش با هدف بررسی انواع استناد و شیوه‌های معصومان در استناد به قرآن، با روش توصیفی تحلیلی سامان یافته و به دنبال روشن ساختن نقش این استناد در توسعه فرهنگ قرآن در جامعه است. استندهای معصومان به ظاهر قرآن (اعم از نهی، عام، خاص، مفهوم و استثنای آن)، یا به باطن آن است و در برخی موارد به تعمیم قرآن و گاهی به مجموع آیات درباره یک موضوع استناد کرده‌اند. ره‌آورد این پژوهش آن است که اهل بیت ﷺ با روش‌هایی مانند استناد ابتدایی، استناد در بحث و مناظره و استناد در پاسخ به سؤال، سخن یا عمل خود را به قرآن مستند ساخته‌اند. این حجم از استناد و تنوع آن، نشانه‌ای بر فرهنگ‌سازی این سیره برای شیعیان است. تبیین صحیح این سیره برای پیروان اهل بیت ﷺ، انگیزه‌ای برای تأسی به ایشان در محور قرار دادن قرآن در زندگی و مستندسازی گفتار و کردار خود به قرآن است. **واژگان کلیدی:** استندهای قرآنی، استناد به قرآن، روش‌های استناد به قرآن، فرهنگ قرآنی، روایات تفسیری، گونه‌شناسی روایات تفسیری، تفسیر روایی.

استناد به مقاله:

محقق، محمد. (۱۴۰۴). بررسی روش‌های معصومان در استناد به قرآن، با هدف ترویج فرهنگ قرآنی در جامعه. فصلنامه قرآن، فرهنگ و تمدن، ۶(۲)، ۶۵-۸۶.

Doi: <https://doi.org/10.22034/jksl.2025.485894.1404>



۱. مقدمه

۱-۱. پیشینه

کارهای انجام‌شده درباره استنادهای قرآنی معصومان (علیهم‌السلام)، بیشتر به استناد ایشان به قرآن در مناسبت‌ها و سخنرانی‌ها پرداخته و کمتر به بیان دیگر انواع استناد و گستره آن و ارتباط این استنادها با گسترش فرهنگ قرآنی اشاره کرده است. در ادامه به معرفی مختصر مهم‌ترین این پژوهش‌ها می‌پردازیم.

پایان‌نامه «روش‌شناسی استنادهای قرآنی معصومان (علیهم‌السلام)» که توسط محمد محقق و با راهنمایی کاظم قاضی‌زاده و مشاوره مهدی مهریزی نگاشته شده و به بررسی روش‌های استناد معصومان (علیهم‌السلام) به قرآن پرداخته است. در این پژوهش، استنادهای قرآنی از جنبه‌های مختلف دسته‌بندی شده؛ از جمله بر اساس ماهیت آنچه مستند شده و آیاتی که معصوم به آن‌ها استناد کرده است. همچنین، انواع استنادها شامل استناد قول و عمل به قرآن تبیین و استناد به قرآن در ضمن بحث و مناظره، پاسخ به پرسش یا به صورت استناد ابتدایی بررسی شده است. از دیگر محورهای این پژوهش می‌توان به استناد به عام و خاص و شرط و وصف قرآن اشاره کرد. این تحقیق با هدف تحلیل دقیق روش‌شناسی معصومان در بهره‌گیری از قرآن، به ارائه تقسیم‌بندی‌های متنوعی در این زمینه پرداخته است.

مقاله «مفهوم‌شناسی فرهنگ در قرآن و بررسی آیات مربوط به فرهنگ» که توسط فاطمه کیخا و شهناز پودینه نگارش یافته و به صورت کنفرانسی ارائه شده است. این مقاله به بیان نقش قرآن در ساختن فرهنگ جامعه اسلامی پرداخته است. نویسنده فرهنگ را مجموعه بینش‌ها و گرایش‌ها و ارزش‌های یک ملت دانسته و با توجه به نزول قرآن و تغییر و تبدیل فرهنگ جاهلی، به بیان این تأثیر پرداخته است. این مقاله با روش توصیفی مروری انجام شده و برای جمع‌آوری اطلاعات از روش اسنادی یا همان کتابخانه‌ای بهره گرفته است. هدف از نگارش آن، مفهوم‌شناسی فرهنگ در قرآن و بررسی آیات مربوط به فرهنگ بوده است و نتایج آن نشان می‌دهد اگر فرهنگ کشور از فرهنگ قرآن پیروی کند، مدینه فاضله پدیدار و تمامی فضایل اخلاقی در آن رعایت می‌شود و اگر تابع فرهنگ قرآن نباشد، بدعت‌ها و انحرافات به سراغ انسان و جامعه می‌آید (کیخا، پودینه، ۱۳۹۹، ص ۱۰).

مقاله «کارکردهای تفسیری استنادهای قرآنی در خطبه‌های حضرت زهرا (علیها‌السلام)» که توسط فتحیه فتاحی‌زاده، بی‌بی‌سادات رضی بهابادی و فرشته معتمدی لنگرودی به صورت مشترک نگارش یافته است. این مقاله به بیان و بررسی استنادهای حضرت زهرا (علیها‌السلام) به آیات قرآن در خطبه‌های ایشان پرداخته و کارکرد تفسیری استنادهای قرآنی در این خطبه‌ها و فراوانی آن‌ها را مورد مداخله قرار داده است. نتایج این بررسی بیانگر آن است که بهره‌گیری از آیات، گاه در جهت تبیین معنا، گاهی به قصد جری و تطبیق و گاهی با هدف گسترش مفهومی و مصداقی آیات و نیز استشهد به آیات قرآن بوده است (فتاحی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶، صص ۲۳-۴۲).

مقاله «استناد به قرآن در سیره امامان (علیهم‌السلام)» که به قلم غلامرضا گلی زواره قمشه‌ای نگارش یافته و در آن بر نقش اهل بیت (علیهم‌السلام) با توجه به حدیث ثقلین تکیه کرده و به ترتیب معصومان (علیهم‌السلام)، چند نمونه از استنادهای قرآنی هر معصوم را آورده است (گلی زواره، ۱۳۸۴).

مقاله «اقتباس‌ها و استنادهای قرآنی امام رضا (علیه‌السلام) در حدیث امامت» که توسط فتحیه فتاحی‌زاده، حسین افسردیر و عصمت رحیمی و با هدف بررسی گونه‌های اقتباس از قرآن و انگیزه به‌کارگیری آن در کلام امام رضا (علیه‌السلام) به رشته تحریر در آمده است. امام رضا (علیه‌السلام) در حدیث امامت، فراوان از آیات قرآن بهره گرفته است. در این حدیث شریف، گونه‌هایی از اقتباس قرآنی از جمله اقتباس کامل، جزئی، متغیر، اشاره‌ای و استنباطی ملاحظه می‌شود و امام (علیه‌السلام) هر یک از این گونه‌ها را با انگیزه و هدفی خاص به کار برده است. یکی از نتایج این

پژوهش آن است که تعدادی از آیات به کار رفته در کلام امام علیه السلام به دلیل نداشتن شرط اقتباس، تنها جنبه استناد و استشهاد دارد و نمی‌توان این آیات را حمل بر اقتباس کرد (فتاحی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴).

مقاله «تحلیل استنادهای قرآنی در هفت شرح منتخب نهج البلاغه (مطالعه موردی پنجاه خطبه نخست) که توسط محمود کریمی و نجیبه احمدی نگارش یافته است. نویسندگان ابتدا با اشاره به اهمیت قرآن در کنار اهل بیت به عنوان دو یادگار گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله و با هدف شناخت بهتر شروح و تبیین تأثیرپذیری شارحان نهج البلاغه از قرآن، به بررسی استنادهای قرآنی شارحان و گونه‌شناسی این استنادها پرداخته‌اند. در این پژوهش از روش توصیفی تحلیلی و نیز از ابزارهای آمار و جداول استفاده شده و شرح پنجاه خطبه اول نهج البلاغه از شرح‌های معتبر و معروف مانند ابن ابی‌الحدید، ابن میثم، تنبیه الغافلین، عبده، فی ظلال و منهاج البراعة جست‌وجو و بررسی شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که کیفیت و کمیت استفاده از شواهد قرآنی، در شرح‌های مورد مطالعه متفاوت است. از جهت کمیت، شرح‌های منهاج البراعة و شرح ابن میثم بیشترین استناد را به قرآن داشته و در مقابل، شرح عبده کمترین شواهد قرآنی را در خود جای داده است.

مقاله «تحلیل استنادهای قرآنی امام سجاد علیه السلام در مناظرات شهر شام» که توسط محمد رنجبر حسینی و هانیه خطیبی مقدم نگارش یافته است. این مقاله به بررسی مناظرات و خطبه‌های امام سجاد علیه السلام پس از واقعه عاشورا پرداخته و آن‌ها را از مهم‌ترین عوامل تداوم نهضت عاشورا و آگاه‌سازی مردم نسبت به جایگاه راستین اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله شمرده است. احتجاج و استناد مکرر حضرت به آیات قرآن که در دسترس تمام مخاطبان ایشان قرار داشته و برخلاف روایات، از گزند جعل و تحریف در امان مانده، موضوع اصلی این مقاله است. امام علیه السلام با این استنادها، حقوق تضییع شده اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله را به مردم یادآور شد و با عقاید باطلی که حاکمان اموی در میان مسلمانان رواج داده بودند، مبارزه نمود. این نوشتار، با روش توصیفی تحلیلی به بررسی آیات مورد استناد امام سجاد علیه السلام در خطبه‌ها و مناظرات در شهر شام پرداخته و در صدد یافتن وجه استناد آن‌هاست.

۲-۱. مفهوم‌شناسی

استناد: تکیه کردن به چیزی و سند قراردادن آن برای قول یا عمل. در کتاب معجم مقاییس اللغة درباره این ریشه آمده است: «السین والتون والدال أصل واحد يدل على انضمام الشيء إلى الشيء» (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۱۰۵). این ریشه سه حرفی دارای یک معناست که دلالت بر ضمیمه کردن چیزی به چیزی دارد. درحقیقت کسی که به قرآن در قول یا فعل خود استناد می‌کند، به قرآن تکیه زده و از قرآن برای تأیید آن یاری گرفته است. درحقیقت کسی که به قرآن استناد می‌کند، قرآن را با سخن یا عمل خود همراه و ضمیمه و به آن تکیه می‌کند و از قرآن برای تأیید سخن خود مدد می‌گیرد. این واژه به معنای اعتماد کردن نیز آمده است (بستانی، ۱۳۷۵، ص ۷۶) که با معنای ضمیمه کردن همسان است.

فرهنگ: برای فرهنگ تعاریف مختلفی بیان شده است. برخی آن را مجموعه دانش‌ها و بینش‌ها و ارزش‌های یک ملت می‌دانند که به صورت علوم، هنر، عقاید، اخلاق و آداب در جامعه و فرد تبلور می‌یابد و تعلیم و تربیت مقدمه آن است (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۳، ج ۴، ص ۳۸). به طور کلی، فرهنگ عبارت از مجموعه برداشت‌ها، موضع‌گیری‌های فکری، هنر، ادبیات، فلسفه، آداب، سنن و رسوم و روابط حاکم بر روابط اجتماعی است (باهر، ۱۳۷۱، ص ۱۰۲).

در مقدمه دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی نیز در ذکر مختصر محتویات کتاب، به بحث فرهنگ‌آفرینی قرآن و عناوین ذیل آن، از جمله فرهنگ عامه و قرآن اشاره شده است (خرمشاهی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۱۱). برخی ذیل عنوان فرهنگ‌آفرینی قرآن، به آیه ۳۲ سوره فاطر اشاره کرده‌اند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ج ۲۱، ص ۳۹۹): «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ

بِالْخَيْرَاتِ يَأْذُنُ اللَّهُ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ: سپس ما این کتاب را به کسانی از بندگانمان که آن‌ها را [به عنوان امت خاتم و اهل اسلام] برگزیدیم، به میراث دادیم. پس برخی از آن‌ها [مانند گنهکاران امت] ستمکار خویش و برخی از آن‌ها [نظیر عادلان و صالحان آن‌ها] میانه‌رو هستند و برخی از آنان [مانند معصومان امت که وارث کتابند]، به اذن [تکوینی] خدا سبقت‌گیرنده به همه خیراتند. [آری] این [کتاب و وجود معصومان و صالحان برای امت] همان فضل بزرگ است». ذیل این آیه چنین مطالبی به چشم می‌خورد: مسلمانان ملت برگزیده الهی؛ قرآن، ارث و موهبت الهی برای جامعه اسلامی؛ لزوم پیشه ساختن روش متعادل و به دور از افراط و تفریط در زندگی؛ تمسک به قرآن و پیروی از رهنمودهای آن به خیر و صلاح جامعه و ترک آن ظلم به خویشتن است؛ تفاوت درجات دینداری و هدایت‌پذیری انسان‌ها در فرهنگ قرآن؛ اذن خداوند، شرط رسیدن به مقام پیشتازی در دینداری، زندگی قرآنی و انجام کارهای خیر (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ج ۱۵، صص ۱۴۰-۱۴۱). در کتاب فرهنگ قرآن ذیل عنوان «قرآن»، پس از عنوان «عمل به قرآن» چنین آمده است: آنچه از فرهنگ قرآنی در جامعه نمود دارد عمل به آن است. در قرآن ارزش و اعتبار اهل کتاب را در گرو عمل به قرآن بیان کرده است (مائده: ۶۶ و ۶۸). همچنین قرآن اهل کتاب را به عمل به قرآن و کتب آسمانی تشویق و ترغیب کرده است. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ج ۱۵، صص ۱۴۰-۱۴۱) و از آیه استفاده می‌شود که بی‌اعتنایی به قرآن و عمل نکردن به آن، سبب افزایش کفر و طغیان است و موجب حسرت و پشیمانی در قیامت خواهد شد (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳، ج ۲۳، ص ۱۵۶).

اگر دین را آنگونه که موجب تغییر فرهنگ جاهلی عرب شد، یکی از عوامل تأثیرگذار بر فرهنگ بدانیم و سیره قرآنی معصومان (علیهم‌السلام) را بخشی از دین و ملاک استنباط احکام شرعی بشماریم، تأثیر استنادهای آنان به قرآن بر فرهنگ جامعه و گسترش فرهنگ قرآنی روشن خواهد شد.

قرآنی: تعریف قرآن به عنوان کتاب مقدس مسلمانان و معجزه جاویدان پیامبر ﷺ بر کسی پوشیده نیست و نیازی به توضیح بیشتر ندارد. منظور از واژه «قرآنی» در این پژوهش، عمل و کردار و گفتار مطابق با قرآن و متناسب به آن است.

جامعه: ^۱ در اصطلاح جامعه‌شناسی، جامعه گروه (های) انسانی است؛ مشروط بر اینکه دارای تعامل انسانی پایدار باشند. این گروه‌ها از نظر سرزمینی، حاکمیت یا انتظارات فرهنگی با هم وجه اشتراک دارند. جامعه خود به تناسب الگوی روابط بین افراد آن، قابل دسته‌بندی به زیرمجموعه‌های جمعیتی است تا ماحصل تجميع آن‌ها جامعه را بسازد.

با توجه به این تعریف، جامعه مذهبی و جامعه قرآنی، از زیرمجموعه‌های جامعه به حساب می‌آید.

جامعه: تانیت جامع، اجتماع، مجتمع، حوزه، حلقه، اجتماع، هیئت، مردم یک کشور یا یک شهر یا ده، دانشگاه و مؤسسه‌ای که شامل عده‌ای از آموزشگاه‌های عالی از قبیل دانشکده طب، علوم، ادبیات، فلسفه و مانند آن است (اصطلاح جامعه‌شناسی). وضع و حالت انسان‌ها یا حیواناتی که تحت یک قانون مشترک زیست می‌کنند. اجتماع انسانی یا حیواناتی که تحت قوانین معینی زندگی می‌کنند. خانواده یک جامعه طبیعی تشکیل می‌دهد. گروهی از مردم که برای رسیدن به هدف مخصوص تحت قواعد معین گرد هم جمع آمده‌اند؛ همچون جامعه ادبی (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۵، ص ۷۳۹۸).

مراد از «جامعه» در این تحقیق، جامعه مذهبی است که دین را به عنوان روش زندگی می‌پذیرد و عمل به دستورات آن را بر خود لازم می‌داند و سعی دارد اعمال و رفتار و گفتار خود را مطابق با قرآن قرار دهد. آنچه امروزه از قرآن در جامعه نمود و جلوه بیرونی دارد، حفظ و قرائت آن در مسابقات قرآنی و کاربرد آن در مجالس عزا و سفره‌های عقد و ذکر آن به عنوان مهریه است. برای آنکه قرآن از این کاربردها

1. Society.

خارج شود و عملی مطابق آن در جامعه بروز داشته باشد، ترویج فرهنگ استناد قولی و عملی به قرآن، از ضرورت و اهمیت خاصی برخوردار است. بخشی از این هدف، با تبیین و بررسی روش‌ها و انواع استنادهای معصومان به قرآن قابل دستیابی است. امام صادق (ع) درباره اهمیت قرآن و سنت و عمل مطابق با آن دو برای دینداری می‌فرماید:

«مَنْ أَخَذَ دِينَهُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَسُنَّةِ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ زَالَتْ الْجِبَالُ قَبْلَ أَنْ يَزُولَ، وَمَنْ أَخَذَ دِينَهُ مِنْ أَقْوَامِ الرِّجَالِ رَدَّتْهُ الرِّجَالُ:» کسی که دین خود را از قرآن و سنت پیامبر بگیرد، کوه‌ها از بین می‌رود، اما دین او از بین نمی‌رود و هر کس دین خود را از دهان مردمان بگیرد، همان مردمان او را از دین باز می‌گردانند» (حرعاملی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۲۵).

از این روایت، نقش قرآن و سنت و اهمیت آن روشن می‌شود. آن حضرت در روایت دیگری فرمود:

«مَنْ لَمْ يَعْرِفْ أَمْرَنَا مِنَ الْقُرْآنِ لَمْ يَتَنَّكَبِ الْفِتْنِ:» هر کس امر ما را از قرآن نشناسد، از امتحان‌ها سربلند بیرون نخواهد آمد» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۳).

پس در موضوعات اعتقادی و عملی باید با قرآن مانوس و همراه بود و جایگاه اهل بیت را نسبت به قرآن و در قرآن شناخت. اهل بیت (ع) الگوی رفتاری و گفتاری ما هستند و مطلوب است خود را در گفتار و رفتار به آنان نزدیک سازیم. پیامبر (ص) درباره اهمیت تمسک به قرآن و هماهنگی با آن در قول و عمل فرمود:

«فَإِذَا التَّبَسَّتْ عَلَيْكُمُ الْفِتْنُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ فَاعْلَمِكُمْ بِالْقُرْآنِ... وَمَنْ جَعَلَهُ أَمَامَهُ قَادَةً إِلَى الْجَنَّةِ وَمَنْ جَعَلَهُ خَلْفَهُ سَاقَةً إِلَى النَّارِ:» پس هرگاه فتنه‌ها به‌سان شب تاریک بر شما سایه افکند [و دچار سردرگمی شدید]، بر شما باد به قرآن... هر کس قرآن را پیش روی خود قرار دهد، او را به سوی بهشت رهبری می‌کند و هر کس قرآن را پشت سر گذارد، او را به سوی آتش رهسپار خواهد کرد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۵۹۹).

۱-۳. قرآن، ملاک صحت احادیث معصومان (ع)

اگر مطابق روایات عرضه، عرضه بر قرآن را ملاک صحت روایات بدانیم، راه شناخت روایات صحیح، مطابقت با قرآن و همراهی با آن است: زُورِي عَنِ النَّبِيِّ (ص) وَعَنِ الْأَنْبِيَاءِ (ع) أَنَّهُمْ قَالُوا: «إِذَا جَاءَكُمْ مِنْ حَدِيثٍ فَأَعْرِضُوهُ عَلَى كِتَابِ اللَّهِ. فَمَا وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ فَخُذُوهُ وَمَا خَالَفَهُ فَاطْرَحُوهُ أَوْ رُدُّوهُ عَلَيْنَا (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۲۷۵). معصومان (ع) در فرهنگ گفتاری و رفتاری خود، مطابقت قولی و عملی با قرآن را مدنظر قرار داده و مستند قول و فعل خود را قرآن معرفی کرده‌اند. برای پیروی و متابعت از اهل بیت (ع)، لازم است چگونگی برخورد ایشان را با قرآن و جلوه قرآن در رفتار و گفتار آنان را بازشناسی و در پرتو آن، در راستای هماهنگی فرهنگ زندگی با قرآن تلاش کنیم. استناد به قرآن و مطابقت با آن در قول و عمل، از ویژگی‌های خاص پیامبر و اهل بیت (ع) است. علامه مجلسی در مرآة العقول در شرح حدیث ثقلین، یکی از وجوه همراهی قرآن با اهل بیت (ع) را چنین بیان می‌کند:

چهارم از وجوه همراهی قرآن با اهل بیت (ع) آن است که تمام لفظ و معنای قرآن مطابق با ترتیب نزول، نزد اهل بیت (ع) است و ایشان به ظاهر و باطن آن آگاهی دارند. بلکه ایشان در حقیقت قرآن هستند؛ زیرا با الفاظ و معانی و اسرار قرآن عجین گشته‌اند و قرآن در ایشان نقش بسته و نمایان است. این است راز آنچه درباره پیامبر (ص) روایت شده که اخلاق ایشان قرآن بود. حضرت امیر (ع) نیز فرمود: من قرآن سخنگو هستم (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۲۳۶).

روایات متعددی جایگاه اهل بیت (ع) را معرفی کرده و آنان را به عنوان مفسران واقعی قرآن معرفی نموده‌اند. در طول تاریخ به بهانه عمل به قرآن و اهمیت ظاهر آن، به شأن و جایگاه اهل بیت (ع) به عنوان قرآن سخنگو بی‌توجهی شده است. نمونه این بی‌توجهی را می‌توان در

دسیسه عمرو بن عاص در جنگ صفین و به نیزه کردن قرآن‌ها مشاهده کرد. مطابق بیان علامه مجلسی، قرآن در معصومان علیهم‌السلام ظهور و بروز یافته است. آشنایی با الگوی استناد و انواع آن در کلام و عمل ایشان و معرفی آن به جامعه، گامی در جهت ترویج فرهنگ قرآن و عمل به آن است.

۴-۱. اهمیت سنت

بر طبق تعریف مشهور، حدیث در اصطلاح عبارت است از کلامی که حاکی قول، فعل یا تقریر معصوم علیه‌السلام باشد و بر آن، خبر و سنت و روایت نیز اطلاق شده است [\(مدیر شانه‌چی، ۱۳۶۲، ص ۸\)](#). پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در حدیث متواتر ثقلین، شرط گمراه نشدن بعد از خود را تمسک به قرآن و اهل بیت بیان فرمود؛ دو گوهر گران‌بهایی که هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا نزد حوض کوثر بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم وارد شوند. دنباله‌روی و پیروی از سیره و سبک زندگی معصومان، دلیل سعادت و عملی مطابق فطرت است. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این زمینه فرمود: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ عَلَى فِطْرَتِي فَلْيَسْتَنْ بِسُنَّتِي: هر کس دوست دارد بر فطرت من باشد، پس باید روش و سنت مرا روش خود قرار دهد» [\(بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۲۵، ص ۷۸\)](#). گرچه این روایت درباره سنت ازدواج مطرح شده است، می‌توان به عمومیت آن استناد کرد. مشابه این روایت نیز در نقل دیگری وارد شده است: «فَمَنْ كَانَ مِنْ شِيعَتِنَا فَلْيَقْتَدِ بِنَا وَ لْيَسْتَنْ بِسُنَّتِنَا: هر کس از شیعیان ماست، پس باید از ما پیروی کند و روش ما را پیش گیرد» [\(صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۴۱۶\)](#). در اهمیت و لزوم مراجعه به سنت و توجه به آن در تفسیر قرآن استدلال‌های فراوانی شده است که برای نمونه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

ابهام و ابهام، در متون ادبی و به شکل خاص قرآن کریم نقش بازی می‌کند؛ به شکلی که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به عنوان مبین قرآن کریم در نظر گرفته شده است: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (نحل: ۴۴). مبین بودن پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در صورتی معنادار است که ابهام در متن قرآن کریم برجسته باشد و همین ابهام نقش پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام را به عنوان تفسیرکننده آن معنادار می‌کند. تأکید بر جایگاه روایات و اهل بیت علیهم‌السلام در کنار قرآن، می‌تواند مؤید دیگری بر ابهام اولیه‌ای باشد که در بخشی از متن قرآن کریم وجود دارد و حضور روایات و اهل بیت علیهم‌السلام را به عنوان مکمل و مبین آن ضرورت می‌بخشد [\(درزی، فرامرز قراملکی، ۱۳۹۹، ص ۲۱۴\)](#).

تقریباً همه صاحب‌نظران در استدلال بر نقش پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام در تفسیر، به آیه ۴۴ سوره نحل و آیه ۲ سوره جمعه و حدیث ثقلین استناد کرده و به آن توجه داده‌اند. از جمله قواعد تفسیر قرآن، مراجعه و بهره‌مندی از سنت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه معصومان علیهم‌السلام است که به تشریح احکام و تفصیل معارف و رفع ابهام از موارد مبهم و معانی سربسته قرآن می‌پردازد. شیعه و اهل سنت این مطلب را تصدیق کرده‌اند که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم افزون بر تلاوت و ابلاغ، به تعلیم معانی و بیان مقاصد آیات نیز می‌پرداخت. قرآن سخن پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را در شرح آیات خویش حجت می‌داند: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ» (نحل: ۴۴). این حجیت، به متشابهات یا اسرار کلام‌الله و تأویلات آن‌ها اختصاص ندارد [\(طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۲، ص ۲۶۱\)](#). از منظر اعتقادی شیعه، سنت عترت معصوم پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

نیز دارای اعتبار سنت نبوی است و این اعتقاد برخواسته از رهنمود خود قرآن کریم و رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است [\(اسعدی و همکاران، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۸۲\)](#). اسعدی و همکاران در ادامه به حدیث ثقلین و این روایت از ابن مسعود اشاره دارند که گفت: «إِنَّ الْقُرْآنَ أُنْزِلَ عَلَى سَبْعَةِ أَحْرَفٍ مِمَّنْهَا حَرْفٌ إِلَّا وَلَهُ ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ وَإِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عِنْدَهُ مِنْهُ الظَّاهِرُ وَ الْبَاطِنُ» [\(سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۴۶۶\)](#). علاوه بر آنچه ذکر شد، ادله عقلی و نقلی دیگری بر حجیت سنت پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام در تفسیر قرآن وجود دارد [\(رضایی اصفهانی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۹۴\)](#). آیت‌الله خویی نیز بحث مفصلی درباره منبع بودن روایات برای فهم قرآن مطرح [\(خویی، ۱۴۳۰ق، ص ۳۹۸\)](#) کرده و به بحث از حجیت خبر واحد در تفسیر و پاسخ به این پرسش که «آیا تخصیص قرآن به خبر واحد، صحیح و جایز است یا خیر؟» پرداخته است

(خوبی، ۱۴۰۳ق، ص ۴۰۰) (درباره حجیت و اعتبار سخنان اهل بیت علیهم السلام در تفسیر می‌توان به این منابع نیز مراجعه کرد: جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۲، ج ۸، ص ۹۵؛ حداد عادل، ۱۳۸۲، ج ۷، صص ۶۳۷-۶۳۸).

روشن است که پیروی از روش معصومان در استناد به قرآن و به کار بستن آن، مصداق عمل به این روایات و از نشانه‌های سعادت دنیا و آخرت است. امام رضا علیه السلام در روایتی فرمود: «عَلَيْنَا إِقَاءُ الْأُصُولِ وَعَلَيْكُمْ التَّفَرُّعُ: طرح و تبیین اصول بر عهده ماست و بر عهده شماست که فروع آن را به دست آورید و استنباط کنید» (عاملی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۵۵۴). با توجه به این روایت، اگر اهل بیت علیهم السلام قرآن را دوی درد و راه‌رهایی از فتنه‌ها بیان کرده و به آن در مناسبت‌های مختلف استناد و تمسک بسته باشند، می‌توان به عنوان یک اصل از آن استفاده کرد و راه استناد به قرآن و زیست قرآنی را از ایشان آموخت. گرچه برخی روایت پیش‌گفته را مخصوص فقه و اصول فقهی موجود در کلام معصومان علیهم السلام می‌دانند، دلیلی بر عدم شمول این روایت بر احادیث تفسیری نداریم و می‌توان سایر احادیث معصومان را در باب‌های مختلف اخلاقی و اعتقادی و فرهنگی، شامل اصولی دانست که می‌توان از آن فروع و قواعد تفسیری و اعتقادی و اخلاقی را استخراج کرد. این روایت شاهد دیگری بر تعلیم استناد به قرآن توسط اهل بیت علیهم السلام است: امام علیه السلام در پاسخ به سؤال شخصی درباره وضوی جبیره فرمود: «يُعْرَفُ هَذَا وَأَشْبَاهُهُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ»؛ اَمْسَحْ عَلَيْهِ: این موضوع و مانند آن از قرآن شناخته می‌شود؛ آنجا که خداوند می‌فرماید: دشواری و سختی در دین قرار داده نشده است. بر همان روی زخم بسته‌شده مسح کن» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۳۳). تعبیر «وَأَشْبَاهُهُ» در کلام امام علیه السلام دلالت دارد که در موارد مشابه می‌توان به آیات قرآن استناد کرد.

تأکید بر مستند بودن گفتار و رفتار معصومان به قرآن و اثبات این مطلب برای معتقدان به عصمت شاید ضروری نباشد، اما برای آنان که دم از اطاعت قرآن می‌زنند و شعار «حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ» سر می‌دهند، تأکید بر این نکته که اهل بیت علیهم السلام تنها عمل‌کنندگان به همه احکام و دستورات قرآن در گفتار و رفتار خود هستند و از کتاب‌الله جدا نیستند، از اهمیت خاصی برخوردار است و در جای خود، دفاع از مکتب تشیع در مقابل مخالفان است. از سوی دیگر، برای جامعه‌ای که اهل بیت علیهم السلام را مفسران واقعی قرآن می‌دانند و آنان را الگوی قولی و عملی خود می‌شمارند و سعی می‌کنند در رفتار و گفتار، خود را به آنان نزدیک سازند، دانستن شیوه و روش آنان در تعامل با قرآن و استناد به آن اهمیت خاصی دارد. این اهمیت آنجا نمایان خواهد شد که روشن شود اهل بیت علیهم السلام در همه رفتارها و گفتارهای به‌جامانده از خود، دچار مخالفت و تعارض با قرآن نشدند و همان‌گونه که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حدیث ثقلین فرمود، همراهی آنان با قرآن، تاقیامت و ورود بر حوض کوثر باقی است و شرط گمراه نشدن پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، همراهی با ایشان است.

حال که اهمیت پیروی از روش معصومان در اصلاح فرهنگ قرآنی جامعه روشن شد، به تعریف و بررسی شیوه‌ها و روش‌های معصومان در استناد به قرآن و انواع آن می‌پردازیم.

۲. روایات استنادی

در روایات تفسیری، به روایاتی بر می‌خوریم که امام علیه السلام در مقام احتجاج و استدلال یا در حین بیان مطلب یا نکته‌ای، به آیه یا آیاتی از قرآن استناد و استشهاد فرموده یا آیه را بر موضوع یا فرد خاصی تطبیق داده است. گاهی نیز از مستند قرآنی قول یا فعل معصوم سؤال شده و ایشان با استناد به قرآن پاسخ داده است؛ این در حالی است که به شیعیان امر فرموده‌اند: «إِذَا حَدَّثْتُكُمْ بِشَيْءٍ فَاسْأَلُونِي مِنْ كِتَابِ اللَّهِ: هرگاه برای شما حدیثی نقل کردم، از کتاب خدا درباره آن از من سؤال کنید» (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۳۰).

معصومان (علیهم‌السلام) برای تبیین آیات قرآن، گاهی به بیان مصداق آیه (مصدق ظاهری و باطنی) و گاهی با عبارت «قال فی قوله تعالی» و «سألته عن قوله تعالی» به بیان تفسیر یا تأویل قرآن پرداخته‌اند. بخش دیگری از روایات که کمتر محل توجه بوده و در میان روایات تفسیری پنهان است، روایاتی است که در آن معصومان (علیهم‌السلام) از آیات قرآن به عنوان مستند یا شاهد بر مطلب استفاده کرده‌اند.

برخی از معاصران در تقسیم و تبیین انواع روایات تفسیری و گونه‌های آن، به تقسیم آن‌ها از نظر تعداد راویان و در پی آن حجیت یا عدم حجیت روایت روی آورده‌اند؛ مانند تقسیم روایات تفسیری به متواتر و واحد و تقسیم خبر واحد به محفوف به قراین و ضعیف (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۰، ج ۱، صص ۴۹-۵۳). آن‌ها به گونه خبر استنادی در گونه‌های استناد به سنت در تفسیر اشاره نکرده‌اند (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۰، ج ۱، صص ۴۴-۴۵). از دیگر پژوهشگران معاصر که در طبقه‌بندی روایات تفسیری به این گونه اشاره نکرده‌اند (مؤدب، ۱۳۹۰، ص ۲۳۲)، برخی با تصریح به علم پیامبر و اهل بیت (علیهم‌السلام) به همه معانی قرآن، ادله اثبات آن را بیان کرده، اما به گونه‌های تفسیر اهل بیت اشاره نداشته‌اند (بابائی، ۱۳۹۰، ج ۱، صص ۶۷-۷۷). برخی دیگر به روایات استنادی تصریح و برخی در ضمن دسته‌بندی روایات تفسیری به آن اشاره کرده‌اند. از جمله محققانی که به روایات استنادی در تقسیم روایات تفسیری تصریح کرده‌اند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

بر این اساس، درباره روایات تفسیری اهل بیت (علیهم‌السلام) سه محور اساسی ذیل زمینه مطالعه جدی دارند... بخش دیگری از روایات تفسیری اهل بیت (علیهم‌السلام) بیانگر معارفی ژرف و گسترده از آیات قرآن‌اند که مفسران اغلب از فهم آن‌ها عاجز یا در بیان آن‌ها دچار سوء برداشت بودند. این بخش از روایات تفسیری عمدتاً در حوزه معارف فقهی و عقیدتی‌اند. به نظر می‌رسد روایات غیرتفسیری منقول از اهل بیت (علیهم‌السلام) در حوزه عقاید، فقه و اخلاق، همه مستند قرآنی داشته باشند و در شمار روایات تفسیری قرار می‌گیرند (طیب حسینی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۹۸).

همان گونه که در متن اشاره شد، روایات تفسیری منحصر در تفاسیر روایی نیست و در سایر کتب و جوامع روایی، اعم از فقهی و اخلاقی و اعتقادی، روایاتی وجود دارد که دارای استناد به قرآن است و به نحوی تفسیر قرآن به شمار می‌آید. در متن زیر به صورت ضمنی به روایات استنادی با عنوان «مقام استدلال و احتجاج» اشاره شده است:

روایات تفسیری همانند دیگر روایاتی که از معصومین (علیهم‌السلام) نقل شده، در موقعیت‌های گوناگونی بیان شده است. اهل بیت (علیهم‌السلام) گاه در پاسخ از مفاد و مراد آیه‌ای، حدیثی بیان فرموده و گاه خود در مقام استدلال و احتجاج، آیه‌ای از قرآن ذکر کرده‌اند و زمانی دیگر برای بیان معانی واژگان مشکل قرآن سخنی گفته‌اند و گاه معنای باطنی آن را بیان نموده‌اند؛ ازاین‌رو، باید اقسام گوناگون روایت‌های تفسیری را به دقت شناخت تا به هنگام بهره‌گیری از آن‌ها، در تفسیر و فهم آیه لغزشی رخ ندهد (رجبی، ۱۳۸۳، ص ۲۲۳؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۹۰، ص ۴۵).

بدیهی است که «روایات در مقام استدلال و احتجاج» تعبیر دیگر «استناد» است و به طور ضمنی به آن اشاره دارد؛ چون در مقام استدلال و احتجاج، تفسیر آیه معنای خاصی نخواهد داشت؛ مگر اینکه در راستای استناد به آیه یا استناد به تفسیر آن باشد. از دیگر نویسندگانی که به «مناظره» به جای «استناد» اشاره کرده‌اند، می‌توان به مقاله‌ای با عنوان «گونه‌شناسی و روش‌شناسی روایات تفسیری امام صادق (علیه‌السلام)» نوشته رضا مؤدب و کامران اویسی اشاهر کرد که در آن، انواع روایات تفسیری معرفی شده، اما به گونه‌ای با عنوان «استنادی» اشاره نشده است.

در تحقیق حاضر از این روایات، به عنوان «روایات استنادی»، به معنای روایاتی شامل استناد به قرآن یاد می‌کنیم و در این قسمت، به بررسی انواع استنادهای معصومان (علیهم‌السلام) به قرآن می‌پردازیم.

۱-۲. تقسیم بر اساس چگونگی بیان استناد

علم ائمه (علیهم‌السلام) به گونه‌ای است که توان اثبات و بیان همه چیز را از قرآن دارند، اما برای تمامی سخنان خود به قرآن استناد نکرده‌اند و بیشتر در بحث و مناظره و در مقام استدلال و گاهی به صورت ابتدائی و ضمن بیان مطلبی و برخی اوقات به درخواست راوی، بیان خود را به قرآن مستند نموده‌اند.

۱-۲-۲. استناد ابتدائی

منظور از این قسم استناد آن است که امام (علیه‌السلام) در ضمن بیان مطلبی، بدون درخواست کسی، به آیه یا آیاتی از قرآن استناد فرموده است. این البته به معنای استناد ساده و آشکاری که همه کس توان فهم آن را داشته باشد، نیست. این قسم از روایات استنادی با جست‌وجوی بیشتر قابل دسترسی است و در اینجا به برخی نمونه‌های آن اشاره می‌کنیم. در خبری آمده است که راوی گفت: به امام صادق (علیه‌السلام) از دردمندی و ورم معده گله کردم. حضرت فرمود: «صبحانه و شام بخور و بین این دو چیزی نخور؛ چون مایه از بین رفتن بدن می‌شود. آیا نشنیدی که خداوند می‌فرماید: در آنجا هر بامداد و عصرگاه رزق خود را خواهند داشت»^۱ (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۲، ص ۴۲۰).

همان‌گونه که اشاره شد، سؤال از مستند قرآنی حدیث، به دستور خود ائمه (علیهم‌السلام) بوده و در صورت سؤال از مستند قرآنی، امام (علیه‌السلام) فوراً آیه مطابق با سخن خود را بیان فرموده است. از جمله، امام باقر (علیه‌السلام) در روایتی فرمود: «هرگاه سخنی برای شما بیان کردم، جایگاه و مستند آن سخن را در کتاب خداوند از من بخواهید». سپس آن حضرت فرمود: «پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) از قیل و قال و از بین بردن مال و زیادی سؤال نهی فرمود». در این هنگام شخصی پرسید: ای فرزند پیامبر، آیه‌ای که بر این فرمایش پیامبر دلالت کند، کدام است؟ حضرت فرمود: خداوند می‌فرماید: «لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ: در بسیاری از رازگویی‌های ایشان خیری نیست؛ مگر کسی که [بدین وسیله] به صدقه یا کار پسندیده یا سازشی میان مردم فرمان دهد» (نساء: ۱۱۴). همچنین می‌فرماید: «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا: اموال خود را که خداوند آن را وسیله قوام [زندگی] شما قرار داد، به سفیهان مدهید» (نساء: ۱). نیز می‌فرماید: «لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءٍ إِنْ تُبْدَ لَكُمْ تَسْأَلُكُمْ: از چیزهایی که اگر برای شما آشکار گردد شما را اندوهناک می‌کند، مپرسید» (مائده: ۱۰۱) (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۶۰). اگر پیروان اهل بیت (علیهم‌السلام) از این روش پیروی کنند و توجه داشته باشند که در صورت پرسش از مستند قرآنی سخن خود، آن را بیان کنند، بسیاری از سخنان لغو و بیهوده را ترک خواهند گفت.

۲-۲-۲. استناد در مناظره

دوره‌های زندگی معصومان (علیهم‌السلام) فراز و نشیب‌های متعددی داشته و هر کدام در دوره‌ای می‌زیسته‌اند؛ برخی در عصر رشد و شکوفایی علم حدیث و وجود بسترهای مناسب جهت بحث و مناظره و برخی در دوره خفقان از سوی حاکمان ستمگر و در زمان تقیه به سر می‌برده‌اند. به عنوان مثال، مناظره امام رضا (علیه‌السلام) با صاحبان مذاهب مختلف و نیز بحث‌های امام صادق (علیه‌السلام) با طرفداران فرقه‌های موجود در زمان آن حضرت، بیش از روایات امام سجاد (علیه‌السلام) در این زمینه است؛ زیرا دوره زندگی ایشان با یکدیگر متفاوت بوده است. بدیهی است که برای بحث و مناظره با افرادی که از پیروان و طرفداران سرسخت خلفا و پایه‌گذاران شعار «حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ» و «كِتَابُ اللَّهِ فِينَا وَبِكُفِينَا» هستند، استناد به قرآن و قرآنی سخن گفتن و پاسخ دادن، اهمیت فراوانی دارد. به نمونه زیر توجه کنید:

۱. عَنْ ابْنِ أَبِي شِهَابٍ بَنِ عَبْدِ رَبِّهِ قَالَ: شَكُوْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) مَا أَلْقَى مِنَ الْأَوْجَاعِ وَالتَّحَمِّمْ، فَقَالَ: تَعْدَّ وَتَعَشَّ وَلَا تَأْكُلْ بَيْنَهُمَا شَيْئًا، فَإِنَّ فِيهِ فَسَادَ الْبَدَنِ. أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: «لَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا».

انتساب ائمه علیهم‌السلام به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و فرزند آن حضرت بودن، موضوعی است که توجه حکام معاصر ایشان را به خود جلب کرده و بحث روز آن دوره بوده است. امروزه نیز این بحث ادامه دارد و مخالفان به گونه‌های مختلف در صدد خدشه‌دار کردن و انکار این نسبت هستند؛ درمقابل، امامان علیهم‌السلام نیز با استناد به آیات مختلف، به مقابله با این اندیشه پرداختند. عده‌ای معتقد بودند انتساب و فرزندى از طرف پدر است و امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام و امامان بعد از ایشان فرزند پیامبر نیستند؛ چون از طرف حضرت فاطمه علیها‌السلام به پیامبر منسوب‌اند. در بحار الانوار به نقل از اختصاص مفید، در باب مناظره امام کاظم علیه‌السلام با هارون، از محمد بن زبرقان دامغانی روایت شده که گفت: امام کاظم علیه‌السلام فرمود: زمانی هارون الرشید مرا به حضور طلبید. بدون آنکه جواب سلام مرا بدهد، طوماری را به طرف من انداخت که در آن مطالبی نوشته بود که من از آن بیزار بودم. هارون گفت: از شما سؤالی می‌پرسم. اگر پاسخ دهید، شما را رها می‌کنم و آنچه درباره شما می‌گویند، باور نمی‌کنم. سپس گفت: چرا شما، شیعیان خود را از گفتن «یا بن رسول‌الله» به خودتان منع نمی‌کنید؛ درحالی‌که شما فرزندان علی هستید و فاطمه تنها ظرف است و فرزند به پدر منتسب است نه به مادر؟ امام فرمود: اگر می‌شود مرا از جواب این مسئله معاف دارید. هارون در پاسخ گفت: نه، حتما باید پاسخ بدهید. حضرت فرمود: آیا در امانم که سلطان بر من خشم نگیرد؟ هارون گفت: در امانی. حضرت این آیه از قرآن را تلاوت فرمود: «وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ كُلًّا هَدَيْنَا وَنُوحًا هَدَيْنَا مِنْ قَبْلُ وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَى وَهَارُونَ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ * وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَى وَعِيسَى إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ رَا بَهُ أَوْ [ابراهيم] بخشیدیم و همگی را راهنمایی کردیم. نوح را نیز پیش از این راهنمایی نمودیم. از ذریه او هم داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون را [راهنمایی کردیم]. ما این‌گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم. [همچنین] زکریا و یحیی و عیسی [را هدایت کردیم] [انعام: ۸۴-۸۵]. امام سپس فرمود: پدر عیسی کیست؟ هارون در پاسخ گفت: عیسی بدون پدر و از کلام خدا و روح القدس آفریده شد. حضرت فرمود: عیسی از ناحیه مریم به ذریه انبیا متصل شده است و ما نیز از طرف مادرمان حضرت زهرا علیها‌السلام به پیامبر منسوب هستیم، نه از طرف حضرت علی علیه‌السلام. هارون در پاسخ گفت: آفرین، آفرین (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۴۸، ص ۱۲۱).^۱ این نمونه نشان می‌دهد که اگر اختلاف‌نظرها و بحث و جدل‌ها به قرآن و تفسیر صحیح آن مستند شود، بسیاری از آن‌ها از بین خواهد رفت.

۲-۲. تقسیم بر اساس آنچه به قرآن مستند شده

معصومان علیهم‌السلام گاهی سخن خود را به قرآن مستند کرده‌اند. گاهی هم از مستند قرآنی عملی از ایشان سؤال شده و در پاسخ، مستند خود را بیان نموده‌اند. در برخی روایات نیز ایشان ضمن بیان حکم مسئله‌ای، آن را مستند به قرآن فرموده و گاهی تقسیم یک موضوع را با استناد به قرآن بیان کرده‌اند. در اینجا نمونه‌هایی از استناد گفتار و کردار و استناد حکم را می‌آوریم.

۲-۱. استناد قول

دوستان و شیعیان ائمه علیهم‌السلام درباره مطابق بودن قول و فعل ائمه علیهم‌السلام با قرآن شک نداشتند. گرچه شبهات و سؤالاتی برای برخی از آنان روی می‌داد که از آن سؤال می‌کردند، این مطابقت برای مخالفان مهم بود و در آن تردید داشتند و برای خدشه‌دار کردن وجهه و جایگاه ائمه علیهم‌السلام

۱. إني أريد أن أسألك عن مسألة. فإن أجبتني أعلم أنك صدقتني خلت عنك ووصلتك ولم أصدق ما قيل فيك. فقلت: ما كان علمه عندي أجبتك فيه. فقال: لم لا تنهون شيعتكم عن قولهم لكم «يا بن رسول الله» وأنتم ولد علي، وفاطمة إنما هي وعاء والولد ينسب إلى الأب لا إلى الأم؟ فقلت: إن رأي أمير المؤمنين أن يغيبني من هذه المسألة فعل. فقال: لست أفعل أو أجبت. فقلت: فأننا في أمانك أن لا يصيبني من آفة السلطان شيء؟ فقال: لك الأمان. قلت: أعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم «وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ كُلًّا هَدَيْنَا وَنُوحًا هَدَيْنَا مِنْ قَبْلُ وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَى وَهَارُونَ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ * وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَى وَعِيسَى» فَمَنْ أَبِ عِيسَى؟ فقال: ليس له أب، إنما خلق من كلام الله عز وجل وروح القدس. فقلت: إنما الحق عيسى بذراري الأنبياء من قبل مريم والحقنا بذراري الأنبياء من قبل فاطمة لا من قبل علي. فقال: أحسنت أحسنت.

از آن سؤال می‌کردند. انمه علیه السلام نیز آیه مطابق با قول یا فعل خود را بیان می‌فرمودند. در این زمینه روایات فراوانی وجود دارد که با جست‌وجوی بیشتر قابل دسترسی است. در این بخش به برخی نمونه‌های آن اشاره می‌کنیم.

یکی از آداب غذا خوردن و بر سفره نشستن، بسم‌الله گفتن در ابتدای طعام و الحمدلله گفتن در آخر طعام و همچنین خواندن دعاهایی است که در این زمینه وارد شده است. در خبر است که امام صادق علیه السلام یکی از این دعاها را خواند. یکی از حاضران به مضمون دعای آن حضرت اعتراض کرد. امام علیه السلام در پاسخ اعتراض آیه‌ای از قرآن تلاوت فرمود. ابوحنیفه با امام صادق علیه السلام هم‌غذا شد. پس از پایان سفره حضرت فرمود: سپاس خداوند را پرورنده عالمیان. خداوند! این نعمت از تو و از رسول توست. در این هنگام ابوحنیفه گفت: آیا با خدا شریک قرار دادی؟ حضرت به او فرمود: وای بر تو. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَمَا تَقْضُوا إِلَّا أَنْ أَغْنَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ: به عیب‌جویی برخاستند، مگر [بعد از] آنکه خدا و پیامبرش از فضل خود آنان را بی‌نیاز گردانیدند» (توبه: ۷۴). در جای دیگر می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ سَيُؤْتِينَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ: اگر آنان بدانچه خدا و پیامبرش به ایشان داده‌اند خشنود می‌گشتند و می‌گفتند: خدا ما را بس است. به‌زودی خدا و پیامبرش از کرم خود به ما می‌دهند، [قطعاً برای آنان بهتر بود]» (توبه: ۵۹). پس ابوحنیفه گفت: به خدا سوگند، گویی من این دو آیه را هرگز نخوانده بودم^۱ (حر عاملی، ۱۳۷۶، ج ۲۴، ص ۳۵۱).

ثروتمند دین‌دار همیشه مورد نقد یا غبطه فقرا بوده است. همین موضوع در مجلس امام باقر علیه السلام مطرح شد و ایشان با استناد به آیه قرآن از آنان در مقابل بدگویان دفاع کردند. راوی گوید: نزد امام باقر علیه السلام از ثروتمندان شیعه سخن به میان آمد. گویی آن جناب از سخنان ما درباره آنان آزرده شد و فرمود: ای ابامحمد، اگر مؤمنی از دوستان ما ثروتمند و مهربان و خوش‌برخورد و نسبت به اطرافیانش نیکوکار و گره‌گشا باشد، خداوند پاداش نیکوکاری و احسان او به دیگران را دومرتبه و دوچندان خواهد داد؛ زیرا خداوند می‌فرماید: «وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرِّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَى إِلَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ لَهُمْ جِزَاءٌ الضَّعْفُ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْغُرَفَاتِ آمِنُونَ» (سبا: ۳۷) (صدق، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۶۰۴؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۳۳۸).

۲-۲-۲. استناد عمل

همان‌گونه که اشاره شد، در برخی از روایات استنادی، امام علیه السلام جهت مستند نمودن عمل خود، به آیه یا آیاتی از قرآن استناد فرموده است که این قسم را «استناد عمل» یا «تطبیق قرآن بر عمل معصومان» می‌نامیم. به این نمونه‌ها توجه کنید. در جنگ جمل، فردی از امام علی علیه السلام درباره علت جنگ مسلمانان با مسلمان درحالی که هر دو گروه به توحید و نماز اعتقاد دارند پرسید. حضرت در پاسخ فرمود:

عَلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي كِتَابِهِ. فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، لَيْسَ كُلُّ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ أَعْلَمُهُ فَعَلَّمْنِيهِ. فَقَالَ علیه السلام: مَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِي سُورَةِ الْبَقَرَةِ. فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، لَيْسَ كُلُّ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِي سُورَةِ الْبَقَرَةِ أَعْلَمُهُ فَعَلَّمْنِيهِ. فَقَالَ علیه السلام: هَذِهِ الْآيَةُ: «تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللَّهُ وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيْنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتُلَ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَلَكِنْ اخْتَلَفُوا فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ وَمِنْهُمْ مَنْ كَفَرَ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتُلُوا وَلَكِنَّ اللَّهَ

۱. أَنَّ أَبَا حَنِيفَةَ أَكَلَ مَعَهُ فَلَمَّا رَفَعَ الصَّادِقُ علیه السلام يَدَهُ مِنْ أَكْلِهِ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ هَذَا مِنْكَ وَمِنْ رَسُولِكَ فَقَالَ أَبُو حَنِيفَةَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ شَرِيكاً فَقَالَ لَهُ وَيْلَكَ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ وَ مَا تَقْضُوا إِلَّا أَنْ أَغْنَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ يَقُولُ فِي مَوْضِعٍ آخَرَ وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ سَيُؤْتِينَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ فَقَالَ أَبُو حَنِيفَةَ وَ اللَّهُ لَكَأَنِّي مَا قَرَأْتُهُمَا قَطُّ.

۲. ابی بصیر قال: ذکرنا عند ابی جعفر علیه السلام من الأغنياء من الشيعة فكانه كره ما سمع منا فيهم، قال: يا با محمد إذا كان المؤمن غنيا رحيمًا وصولاً له معروف إلى أصحابه، أعطاه الله أجر ما ينفق في البر أجرة مرتين ضعفين، لأن الله عز وجل يقول في كتابه: وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرِّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَى إِلَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ لَهُمْ جِزَاءُ الضَّعْفِ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْغُرَفَاتِ آمِنُونَ.

يَفْعَلُ مَا يَرِيدُ». فَتَحْنُ الَّذِي آمَنَّا وَهُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا. فَقَالَ الرَّجُلُ: كَفَرَ الْقَوْمُ وَرَبِّ الْكُفْبَةِ. ثُمَّ حَمَلَ فَقَاتَلَ حَتَّى قُتِلَ رَحِمَهُ اللَّهُ. ترجمه: [جنگ ما] مطابق است با آنچه خداوند در کتابش نازل فرموده است. آن شخص گفت: به هر آنچه خدا در کتابش نازل فرموده است آگاهی ندارم. به من تعلیم دهید. حضرت فرمود: بر طبق آنچه خداوند در سوره بقره نازل فرموده است. وی گفت: به همه آنچه در سوره بقره نازل شده است آگاهی ندارم. به من یاد دهید. حضرت فرمود: طبق این آیه: برخی از آن فرستادگان را بر برخی دیگر رتبه‌ها دادیم. از آنان کسی بود که خدا [با او] سخن گفت و درجات برخی از آنان را بالا برد. به عیسی پسر مریم دلیل‌ها [معجزه‌آسا] دادیم و به وسیله روح پاک تأییدش نمودیم. اگر [بر فرض] خدا می‌خواست، کسانی که پس از آنان بودند، بعد از دلایل روشنی که برایشان آمد، به پیکار با [یکدیگر] نمی‌پرداختند؛ لیکن با هم اختلاف کردند. پس برخی از آنان کسانی بودند که ایمان آوردند و برخی از آنان کسانی بودند که کفر ورزیدند. اگر [بر فرض] خدا می‌خواست، [با یکدیگر] پیکار نمی‌کردند؛ لیکن خدا آنچه را اراده می‌کند، انجام می‌دهد (بقره: ۲۵۳). بر طبق این آیه، ما کسانی هستیم که ایمان آوردیم و آنان کسانی هستند که کافر شدند. آن شخص گفت: قسم به پروردگار کعبه که اینان کافر شدند. پس جنگید تا کشته شد. رحمت خداوند بر او باد (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۲، ص ۲۰۲).

موارد دیگری از عمل معصومان علیهم‌السلام که مورد توجه و پرسش قرار گرفته، عبارت است از: علت صلح امام حسن علیه‌السلام؛ علت قیام امام حسین علیه‌السلام، علت پذیرش ولایت عهدی مأمون توسط امام رضا علیه‌السلام، علت متابعت و پیروی اهل بیت علیهم‌السلام از خلفای جور و بیعت با آنان.

۲-۳. استناد حکم

فلسفه تمام احکام برای مکلفان روشن نیست و در صورتی که حکمت و علم و احاطه قانونگذار برای آن‌ها روشن شود، دیگر نیازی به بیان و سؤال از علت و فلسفه احکام نیست. به نمونه زیر توجه کنید:

استناد حکم جایز نبودن ازدواج دائم با کنیز

عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام قَالَ: لَا يَنْبَغِي أَنْ يَتَزَوَّجَ الرَّجُلُ الْحُرُّ الْمَمْلُوكَةَ الْيَوْمَ. إِنَّمَا كَانَ ذَلِكَ حَيْثُ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا»، وَالطَّوْلُ الْمَهْرُ وَمَهْرُ الْحُرَّةِ الْيَوْمَ مَهْرُ الْأَمَةِ أَوْ أَقْلٌ: یکی از اصحاب امام صادق علیه‌السلام از آن حضرت روایت کرد که فرمود: امروزه سزاوار نیست شخص آزاد با کنیز ازدواج کند. این کار آن زمان جایز بود که خداوند فرمود: «هر کس از شما که از نظر مالی توانایی ندارد». مراد از «طول» در آیه مهریه است و امروزه مهریه زن آزاد همانند مهریه کنیز یا کمتر است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۶۰).

۳. روش استناد معصومان علیهم‌السلام به قرآن

استندهای معصومان علیهم‌السلام یا به ظاهر قرآن است (اعم از نهی، عام، خاص، مفهوم و استثنای آیات)، یا به باطن آن. ایشان در برخی موارد به تعمیم قرآن، گاهی به تخصیص آن، گاهی به مجموع آیات درباره یک موضوع و گاهی به پیام اجمالی چند آیه استناد کرده‌اند. در ادامه به مواردی که تأثیر بیشتری بر ترویج فرهنگ قرآنی در جامعه دارد، اشاره می‌کنیم.

۱-۳. استناد به استثنای قرآن

تقسیم‌های فراوانی درباره آیات قرآن وجود دارد. آیات قرآن شامل عام، مطلق، محکم و مجمل است و در مقابل این اقسام، خاص، مقید، متشابه و مبین قرار دارد. گاهی در قرآن حکمی به صورت عام و کلی بیان شده و سپس در آیات دیگر یا در سنت، آن حکم عام تخصیص

خورده است. آیاتی که در آن «إِلَّا»ی استثنائیه به معنای «مگر» به کار رفته است، حکم ماقبل را از ما بعد خود نفی می‌کند. گاهی اهل بیت برای اثبات مطلبی به این استثنا استناد کرده‌اند. خداوند می‌فرماید: «مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَلَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ: کسانی که پس از ایمانشان، به خدا کفر ورزند، [نه هر کافر] بلکه آنان که سینه خود را به کفر خرسند و گسترده کنند، بر آن‌ها غضبی از سوی خداوند است و عذابی بزرگ دارند؛ مگر کسی که [به گفتار کفر] مجبور شود، درحالی که قلبش مطمئن به ایمان باشد [که در این صورت، مورد غضب خدا نیست]» (نحل: ۱۰۶). خداوند در این آیه، عذاب بزرگ را از کسانی که به گفتار کفر مجبور شوند، استثنا فرموده است. در روایات به این استثنا جهت اثبات تقیه استناد شده است: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَا مَنَعَ مَيْمَنَ (رَحِمَهُ اللَّهُ) مِنَ التَّقِيَةِ. فَوَاللَّهِ لَقَدْ عَلِمَ أَنَّ هَذِهِ الْآيَةَ نَزَلَتْ فِي عَمَّارٍ وَأَصْحَابِهِ: «إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ» (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۲، ص ۲۷۱).

۱-۱-۳. استثنا شدن تقیه از غضب و عذاب الهی

با آنکه امروزه مخالفان شیعه از تقیه انتقاد و با آن مخالفت می‌کنند، این عنصر در فرهنگ شیعه اهمیت زیادی دارد و جایگاه آن بر کسی پوشیده نیست و روایات فراوانی^۱ بر ضرورت و اهمیت آن تأکید می‌کند. مستندات قرآنی این اصل محکم شیعی بسیار است؛ از آن جمله، در روایتی از امام صادق عليه السلام نقل است که در ضمن سفارش به یکی از دوستان خود به نام محمد بن نعمان احوال در مراعات تقیه و حفظ اسرار ائمه عليهم السلام فرمود: إِنَّ اللَّهَ جَلَّ وَعَزَّ قَدْ عَيَّرَ أَقْوَامًا فِي الْقُرْآنِ بِالْإِذَاعَةِ. فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، أَيْنَ؟ قَالَ: قَوْلُهُ «وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ»^۲. خداوند گروهی را به خاطر افشا و پراکندن خبرها سرزنش کرده و فرموده است: هنگامی که خبری [حاکمی] از ایمنی یا ترس به آنان (منافقان) برسد، منتشرش سازند. حضرت در ادامه با اشاره به خطرات و آثار سوء افشا و اذاعه به بیان فواید و آثار تقیه پرداخت و در ضمن به این آیه استناد فرمود: «لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً: مؤمنان نباید کافران را به جای مؤمنان سرپرست [و دوست خود] گیرند. هر کس چنین کند، در هیچ چیز از [رابطه با] خدا [او را بهره‌ای] نیست؛ مگر آنکه با تقیه‌ای [خودتان را] از آنان حفظ کنید» (آل عمران: ۲۸).

۲-۳. استناد به باطن قرآن

بیشتر مفسران قرآن بر این نکته اتفاق نظر دارند که قرآن ظاهر و باطنی دارد و برای آن تا هفتاد بطن است (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۵۳). بر طبق روایات رسیده، ظاهر قرآن تنزیل آن و باطن آن تأویل آن است (بروجردی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۴۱). اهل بیت عليهم السلام گاهی به ظاهر و گاهی به باطن قرآن استناد کرده‌اند. برای نمونه، امام باقر عليه السلام در روایت زیر، ضمن اشاره به ویژگی‌های حکومت امام زمان عليه السلام، با استناد به آیه «وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (اعراف: ۱۲۸؛ قصص: ۸۳) بیان می‌فرماید که حکومت امام زمان و دولت حق ایشان، آخرین حکومت و دولت خواهد بود:

إِنَّ دَوْلَتَنَا آخِرُ الدُّوَلِ وَلَمْ يَبْقَ أَهْلٌ بَيْتٍ لَهُمْ دَوْلَةٌ إِلَّا مَلَكُوا قَبْلَنَا؛ لئَلَّا يَقُولُوا إِذَا رَأَوْا سِيرَتَنَا: إِذَا مَلَكْنَا سِرْنَا بِمِثْلِ سِيرَةِ هَؤُلَاءِ، وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى: «وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»: دولت ما در پایان همه دولت‌ها خواهد آمد و همه قبل از ما به حکومت خواهند رسید. این به خاطر آن است که نگویند: اگر ما هم حکومت داشتیم مانند این‌ها با عدالت رفتار می‌کردیم. این همان قول خداوند متعال است که فرمود: فرجام [نیک] برای پارسایان [خودنگه‌دار] است (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۸۵).

۱. کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۱۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۲، ص ۳۹۳.

۲. نساء: ۸۳.

۳-۳. استناد به تعمیم قرآن

همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، برخی آیات قرآن عام و برخی خاص هستند. اصطلاح تعمیم در مقابل تخصیص قرار دارد و به معنای توسعه دادن و همه را شامل گردانیدن است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۵۴۳). به بیان دیگر، تعمیم یعنی عمومیت بخشیدن به حکم یا موضوعی برای افرادی که به ظاهر در آن حکم یا موضوع داخل نیستند؛ مانند آنچه درباره رضایت به کردار دیگران در قرآن آمده و حکم مباشران و انجام‌دهندگان به راضیان تعمیم داده شده است.

روایات بسیاری بر این موضوع تأکید می‌کند که رضایت به عملی به منزله انجام آن است. حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «الرَّاضِي بِفِعْلِ قَوْمٍ كَالدَّاخِلِ فِيهِ مَعَهُمْ، وَعَلَى كُلِّ دَاخِلٍ فِي بَاطِلٍ إِثْمَانٍ؛ إِنَّهُمُ الْعَمَلُ بِهِ وَإِنَّهُمْ الرِّضَى بِهِ: آن که به کار کسانی خوشنود است، چنان است که در میان کار آنان بوده است، و هر که در باطلی پا نهاد، دو گناه بر گردن وی افتاد: گناه کردار و گناه خوشنودی بدان کار (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۹۹).

برای روشن‌تر شدن نقش رضایت در سنت‌های الهی در عذاب امت‌های گذشته، به روایت دیگری از عبد السلام بن صالح هروی از امام رضا علیه السلام توجه کنید:

عَنْ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ صَالِحِ الْهَرَوِيِّ عَنِ الرِّضَا علیه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ لِأَيِّ عِلَّةٍ أَغْرَقَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الدُّنْيَا كُلَّهَا فِي زَمَنِ نُوحٍ علیه السلام وَ فِيهِمْ الْأَطْفَالُ وَ مَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ فَقَالَ مَا كَانَ فِيهِمْ الْأَطْفَالُ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَعَقَمَ أَصْلَابَ قَوْمِ نُوحٍ وَ أَزْحَمَ نِسَانِهِمْ أَزْبَعِينَ عَامًا فَأَنْقَطَعَ نَسْلُهُمْ فَغَرِقُوا وَ لَا طِفْلَ فِيهِمْ وَ مَا كَانَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِيُهِلِكَ بَعْدَ ذَلِكَ مَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ وَ أَمَّا الْبَاقُونَ مِنْ قَوْمِ نُوحٍ علیه السلام فَأَغْرِقُوا لِتَكْذِيبِهِمْ لِنَبِيِّ اللَّهِ نُوحٍ علیه السلام وَ سَأَرَهُمْ أَغْرِقُوا بِرِضَاهُمْ بِتَكْذِيبِ الْمُكَذِّبِينَ وَ مَنْ غَابَ عَنْ أَمْرِ فَرَضِي بِهِ كَانَ كَمَنْ شَهِدَهُ وَ أَتَاهُ. عبد السلام می‌گوید: از امام رضا علیه السلام پرسیدم: به چه علت خداوند تمام ساکنان زمین را در زمان حضرت نوح علیه السلام غرق کرد؛ درحالی که در بین آنان اطفال و بی‌گناهان وجود داشت؟ امام در پاسخ فرمود: در بین آنان اطفال نبودند؛ زیرا خداوند چهل سال رحم مادران و پشت پدران قوم نوح را عقیم کرده بود؛ به طوری که نسل آنان قطع شد و در هنگام غرق، کودک در میان آنان نبود. این‌گونه نیست که خداوند کسی را که گناهی ندارد عذاب کند. اما باقی‌مانده قوم نوح به جهت تکذیب پیامبر خدا غرق شدند. برخی هم به جهت رضایت از تکذیب‌کنندگان غرق شدند. هر که در امری شرکت نداشته باشد، اما به انجام آن رضایت دهد، به منزله کسی است که شاهد آن امر بوده و مرتکب آن شده است (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۱۰۱).

امام رضا علیه السلام در روایت دیگری، مرجئه و کسانی را که قاتلان اهل بیت علیهم السلام را مؤمن می‌دانند، مستوجب لعن و نفرین مضاعف دانسته و در پاسخ علت لعن مضاعف آن‌ها فرموده است:

إِنَّ هَؤُلَاءِ يَقُولُونَ: إِنَّ قَتَلْتَنَا مُؤْمِنُونَ فَدِمَاؤُنَا مُتَلَطَّخَةٌ بِثِيَابِهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. إِنَّ اللَّهَ حَكَمَ عَنْ قَوْمٍ فِي كِتَابِهِ «أَلَا نُؤْمِنُ لِرَسُولٍ حَتَّى يَأْتِينَا بَقُرْبَانٍ تَأْكُلُهُ النَّارُ قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ قَبْلِي بِالْبَيِّنَاتِ وَبِالَّذِي قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ». قَالَ: كَانَ بَيْنَ الْقَاتِلِينَ وَالْقَاتِلِينَ خَمْسِمِائَةِ عَامٍ، فَالْزَمَهُمُ اللَّهُ الْقَتْلَ بِرِضَاهُمْ مَا فَعَلُوا: اینان (مرجئه) می‌گویند: کشندگان ما افراد مؤمنی بودند؛ پس خون‌های ما تا روز قیامت بر دامن آن‌هاست. خداوند در قرآن از گروهی حکایت می‌کند که گفتند: ما به فرستاده‌ای ایمان نمی‌آوریم، تا قربانی‌ای بیاورد که آتش آن را بخورد. ای پیامبر به اینان بگو: رسولانی قبل از شما با نشانه‌های روشن آمدند و همین نشانه‌ای که شما خواهان آن هستید، آوردند؛ پس اگر راستگویان هستید، چرا آنان را کشتید؟ سپس فرمود: بین گویندگان این سخن

و کشندگان انبیا پانصد سال فاصله است و خداوند به جهت رضایت آنان از کردار قاتلان، قتل را بر آنان الزام نمود [و به آنان نسبت داد] (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۰۹).

باید توجه داشت که یکی از سنت‌های خداوند در قرآن، تعمیم نسبت انجام کاری به رضایت‌مندان و دوستداران انجام آن است.

نتیجه‌گیری

اهل بیت علیهم‌السلام به روش‌های مختلف به قرآن استناد و آن را ملاک سخنان و رفتار خود بیان کرده‌اند. روشن ساختن این روش‌ها و تعیین انواع این استنادها، برای آنان که از سیره و روش معصومان در عمل به قرآن پیروی می‌کنند، اهمیت خاصی دارد. در این تحقیق سعی شد با جست‌وجوی بخشی از این استنادات، انواع آن شناسایی و معرفی گردد، تا در سایه شناخت آن، گامی برای تبیین نقش استناد به قرآن در گسترش فرهنگ قرآنی در جامعه برداشته شود. استناد ابتدایی، استناد در پاسخ به سؤال، استناد در بحث و مناظره و همچنین استناد قول و عمل و احکام بخشی از انواع استنادهای قرآنی اهل بیت علیهم‌السلام است.

بدیهی است، اگر ضرورت پیروی از سیره معصومان علیهم‌السلام در جامعه روشن و اهمیت پیروی از آنان به عنوان دو یادگار گران‌سنگ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این سیره تبیین شود، شاهد رشد جامعه، در صورت عمل به این سیره خواهیم بود. اگر برای جامعه قرآنی روشن شود که اهل‌بیتی که پرچم پیروی و محبت آنان را بر دوش می‌کشند و به آن افتخار می‌کنند، در اعمال و رفتار خود مطابق و مستند با قرآن بوده‌اند و از پیروان و دوستان خود خواسته‌اند که خود را در رفتار به آنان شبیه سازند، این روش را دنبال خواهند کرد و پیرو این تبعیت، گفتار و رفتار خود را با قرآن مستند ساخته و وجه انجام یا ترک آن را از قرآن خواهند دانست و گفتار و رفتار خود را همواره با قرآن می‌سنجند و از رهنمودهای آن بهره خواهند گرفت. در این صورت است که شاهد رشد و شکوفایی بیش‌ازپیش عمل به قرآن در جامعه خواهیم بود.

تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسنده بیان نشده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

قرآن کریم.

- ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۴۰۴ق). تحف العقول (علی‌اکبر غفاری، مصحح). جامعه مدرسین.
ابن‌فارس، احمد بن فارس بن زکریا. (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة (محمد هارون عبد السلام، محقق). مکتب الاعلام الاسلامی.
اسعدی، محمد؛ و همکاران. (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
بابانی، علی‌اکبر. (۱۳۹۰). مکاتب تفسیری. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
باهنر، محمدجواد. (۱۳۷۱). فرهنگ انقلاب اسلامی. دفتر نشر فرهنگ اسلامی
بحرانی، سید هاشم بن سلیمان. (۱۴۱۵ق). البرهان فی تفسیر القرآن (محققان بنیاد بعثت واحد تحقیقات اسلامی، محققان و مصححان). مؤسسه البعثه.
برقی، احمد بن محمد بن خالد. (۱۳۷۱ق). المحاسن (جلال‌الدین محدث، مترجم). دار الکتب الاسلامیه.
بروجردی، آقا حسین. (۱۳۸۶). جامع احادیث الشیعه (جمعی از محققان، مصححان). فرهنگ سبز.
بروجردی، حسین بن رضا. (۱۴۱۶ق). تفسیر الصراط المستقیم، (مولانا بروجردی غلامرضا، محقق). انصاریان
ثقفی، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال. (۱۴۱۰ق). الغارات (عبد الزهرا حسینی، مترجم). دار الکتب الاسلامی
جمعی از نویسندگان، (۱۳۹۲). دایرةالمعارف قرآن کریم. بوستان کتاب.
حداد عادل، غلامعلی. (۱۳۸۲). دانشنامه جهان اسلام (حسن طارمی راد، معاون علمی). بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.
حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۳۷۶). الفصول المهمة فی اصول الائمة (تکمله الوسائل) (محمد بن محمد حسن القائینی، محقق). مؤسسه معارف اسلامی امام رضا (ع).
خرم‌شاهی، بهاء‌الدین. (۱۳۸۱) دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی. دوستان
خویی، ابوالقاسم. (۱۴۳۰ق). البیان فی تفسیر القرآن. مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
درزی، قاسم؛ و فرامرز قراملکی، احد. (۱۳۹۹). روش‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای قرآنی. دانشگاه امام صادق (ع).
(دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). لغت نامه. دانشگاه تهران.
رجبی، محمود. (۱۳۸۳). روش تفسیر قرآن (علوم قرآنی ۴). پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
رضایی اصفهانی، محمدعلی. (۱۳۹۳) منطق تفسیر قرآن. مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی
سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر. (۱۴۲۱ق). الاتقان فی علوم القرآن. (زمرلی فوز احمد، محقق). دار الکتب العربی.
شریف الرضی، محمد بن حسین. (۱۴۰۶ق). خصائص الائمة (علیه السلام) (خصائص امیر المؤمنین علیه السلام) (محمد هادی امینی، محقق و ویراستار). آستان قدس رضوی.
شریف الرضی، محمد بن حسین. (۱۴۱۴ق). نهج البلاغه (للصباحی صالح، محقق). هجرت.
شهیدی، جعفر. (۱۳۷۸). (ترجمه نهج البلاغه). شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
صادقی تهرانی، محمد. (۱۴۰۶ق). الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة. فرهنگ اسلامی.
صدوق، محمد بن علی. (۱۳۸۵). علل الشرایع. کتابفروشی داوری.
صدوق، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه (علی‌اکبر غفاری، مصحح). جامعه مدرسین.
طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن. مؤسسه الاعلمی للمطبوعات
طوسی، محمد بن الحسن. (۱۴۰۷ق). تهذیب الأحکام (خرسان حسن الموسوی، محقق). دار الکتب الاسلامیه.
طیب حسینی، سید محمود و همکاران. (۱۳۹۶). تفسیرشناسی مبانی، منابع، قواعد، روش‌ها و گرایش‌ها. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
عاملی، محمد بن حسن. (۱۳۷۶) الفصول المهمة فی اصول الائمة (تکمله الوسائل). (محمد بن محمد الحسن القائینی، محقق و مصحح). مؤسسه معارف اسلامی امام رضا (ع).

عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰ق). تفسیر العیاشی، (سید هاشم رسولی محلاتی، محقق). المطبعة العلمیه.

فتاحی‌زاده فتحیه، رضی‌بهبادی بی‌بی‌سادات، معتمد لنگرودی، فرشته. (۱۳۹۶). کارکردهای تفسیری استنادهای قرآنی در خطبه‌های حضرت زهرا (س). نشریه علمی مطالعات تفسیری، ۸ (۳۰)، ۴۲-۲۳.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، مصحح). الاسلامیه.

کیخا، فاطمه؛ و پودینه، شهناز. (۱۳۹۹). مفهوم‌شناسی فرهنگ در قرآن و بررسی آیات مربوط به فرهنگ، هفتمین همایش علمی پژوهشی توسعه و ترویج علوم تربیتی و

روانشناسی ایران.

مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الانوار (جمعی از محققان، محققان). دار احیاء التراث العربی.

مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۴ق). مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (سیدهاشم رسولی محلاتی، مصحح). دار الکتب الاسلامیه.

مدیر شانه‌چی، کاظم. (۱۳۶۲). علم الحديث و درایة الحديث، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). الفصول المختاره (علی میرشریفی، مصحح). کنگره شیخ مفید.

مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، كنگره شيخ مفيد.
مؤدب، سيدرضا. (۱۳۹۰الف). روش های تفسیر قرآن. دانشگاه قم.
مؤدب، سيدرضا. (۱۳۹۰ب). مبانی تفسیر قرآن. دانشگاه قم.
هاشمی رفسنجانی، علی اکبر. (۱۳۸۳). فرهنگ قرآن (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، محقق). بوستان کتاب.
عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه. (۱۴۱۵ق). تفسیر نور الثقلین (سیدهاشم رسولی محلاتی، مصحح). اسماعیلیان.



An Analytical Study of the Methods Used by the Infallibles in Referencing the Qur'an to Promote Qur'anic Culture in Society

Mohammad Mohaqqueq¹ 

1. Assistant Professor, Department of Qur'anic and Hadith Sciences, Isfahan Branch, University of Qur'anic Sciences and Teachings, Qom, Iran.

(Corresponding Author)

Corresponding Email: mohagheh@quran.ac.ir



<https://doi.org/10.22034/jksl.2025.485894.1404>

Introduction

The status of the Qur'an and the Ahl al-Bayt (a), the two legacies of the Prophet (s), and the importance of adherence to both in order to avoid misguidance after him are well-established among Muslims. The Prophet is introduced in the Qur'an as the "best exemplar" (uswatun ḥasanah), and accordingly, the Ahl al-Bayt (a), as his successors and trustees, share in this exemplary status. The verbal and practical conduct (sunnah) of the Ahl al-Bayt, alongside the Qur'an, forms a foundational source of Islamic law, supplemented by reason and consensus. All disciplines of Sharī'ah, tariqah, and ḥaqīqah originate from these sources. Moreover, the speech and actions of the infallibles (a) were grounded in the Qur'an, and they cited the Qur'an in specific ways, which this article seeks to examine and explain.

Methodology

This study aims to identify the various types and methods of Qur'anic citation employed by the Infallibles (a) through a descriptive-analytical method. Data were collected using both library research and digital search of ḥadīth sources. The target community for this study comprises religious adherents-those above the level of the general public-who possess the intellectual and hermeneutical capacity to understand and interpret the Qur'an. The study does not focus on those without a sound grasp of religion or those unable to derive arguments from the Qur'an.

Findings

After the Prophet (s), some of his companions insisted on the authority of the Ahl al-Bayt (a) and their sayings alongside the Qur'an, refusing to accept a caliphate based solely on the Qur'an. Others, relying on a claimed consensus (ijmā') of the ummah, insisted on slogans such as "The Book of God is sufficient for us," reducing the Prophet's legacy to the Qur'an alone. For this second group-which constituted the majority-the Qur'an was the sole valid source. In such a context, the insistence of the Ahl al-Bayt (a) on grounding their words and actions in the Qur'an, especially when others claimed to adhere to the Qur'an but acted contrary to it, demonstrated the falsity of those claims and the truthfulness of the Ahl al-Bayt (a) and their followers.

For instance, when a man commented on Imam Ṣādiq's (a) elegant cloak, the Imam responded that such clothing was permissible, citing the example of Imam Ḥusayn (a), who wore a similar garment at the time of his martyrdom. The Imam also referred to the case of Ibn 'Abbās, whom Imam 'Alī (a) sent to debate the Khawārij. Ibn 'Abbās wore fine clothes and rode a fine steed, which provoked criticism from the literalist Khawārij, who asked why he came dressed like the arrogant. In response, Ibn 'Abbās recited the verse: "Say, who has forbidden the adornment of God which He has produced for His servants and the good things of provision?" (al-A'rāf: 32).



His reply, grounded in the Qur'an, was directed at those who claimed to follow the Book yet failed to practice it. Imam Ṣādiq (a) concluded the narration by saying: "Wear good clothes and adorn yourself, for God is beautiful and loves beauty-as long as it is lawful." Thus, the Ahl al-Bayt (a) established a Qur'anic culture of interpretation, usage, and observance through both word and deed.

Among the most critical aspects of their practice was their consistent reference to the Qur'an in all speech and action. True followers of the Ahl al-Bayt (a) have always emphasized emulating this pattern. This article finds that the extensive citation of the Qur'an by the Infallibles was part of a broader cultural project: to normalize Qur'anic grounding in all aspects of life-both behavior and speech-among the Shi'i faithful.

Conclusion

- 1.The Infallibles (a) sometimes cited the apparent meaning (ẓāhir) of the Qur'an-including its prohibitions, generalities, specificities, implied meanings, and exceptions-and at other times its inner meanings (bāṭin). In some cases, they extended Qur'anic meanings or cited collections of verses on a specific theme.
- 2.Their citations occurred in different contexts: sometimes as an initiating reference, sometimes in debate and dialogue, and sometimes in response to questions-always grounding their speech, rulings, or actions in the Qur'an.
- 3.The volume and diversity of their Qur'anic citations reflect an established, undeniable tradition of engagement with the Qur'an-contrary to accusations from opponents that the Ahl al-Bayt (a) and their followers were distant from the Qur'an.
- 4.Their insistence on citing the Qur'an and aligning their words and deeds with it served as a model for cultural formation and Qur'anic orientation among the Shi'ah.
- 5.A proper explanation of this tradition for followers of the Ahl al-Bayt (a) can serve as a powerful incentive to make the Qur'an the axis of life, and to root speech and action in its guidance.

Keywords

Qur'anic Citations, Citing the Qur'an, Methods of Qur'anic Citation, Qur'anic Culture, Interpretive Traditions, Typology of Tafsīr Narratives, Narrated Exegesis.

Author contributions

ADS: Writing -original draft, Writing -review & editing.

Conflict of interest

The author affirms that this research was conducted without any commercial or financial affiliations that could be interpreted as a potential conflict of interest.

Publisher's note

All claims expressed in this article are solely those of the authors and do not necessarily represent those of their affiliated organizations, or those of the publisher, the editors, and the reviewers. Any product that may be evaluated in this article, or claim that may be made by its manufacturer, is not guaranteed or endorsed by the publisher.

References

The Holy Quran. [In Arabic]

‘Āmilī, M. b. H. (1997). *al-Fuṣūl al-Muhimmah fī Uṣūl al-A’immah*, ed. Muḥammad b. Muḥammad Ḥusayn al Qā’īnī. Mu’assasat Ma’ārif-e Islāmī-ye Imām Riḍā. [In Arabic]

‘Arūsī Ḥuwayzī, ‘A. b. J. (1995). *Tafsīr Nūr al-Thaqalayn*, ed. Sayyid Hāshim Rasūlī Maḥallātī. Ismā’īliyyān. [In Arabic] Babaei, A. A. (2011). *Exegetical Schools*. Research Institute for Hawzah and University. [In Persian] As’adī, M., et al. (2011). *A Critique of Interpretive Currents*. Research Institute for Hawzah and University. [In Persian]

‘Ayyāshī, M. b. M. (2001). *Tafsīr al-‘Ayyāshī*, ed. Sayyid Hāshim Rasūlī Maḥallātī. al-Maṭba‘ah al-‘Ilmiyyah. [In Arabic]

Bahonar, M.-J. (1992). *Islamic Revolution Culture*. Daftar-e Nashr-e Farhang-e Eslami. [In Persian]

Baḥrānī, S. H. b. S. (1995). *al-Burhān fī Tafsīr al-Qur’ān*. Mu’assasat al-Ba‘that. [In Arabic]

Barqī, A. b. M. b. Kh. (1992). *al-Maḥāsin*, trans. Jalāl al-Dīn Moḥaddith. Dār al-Kutub al-Islāmiyyah. [In Arabic]

Borūjerdī, Ā. H. (2007). *Comprehensive Collection of Shī‘ī Ḥadīths*. Farhang-e Sabz. [In Persian]

Borūjerdī, H. b. R. (1996). *Tafsīr al-Širāṭ al-Mustaqīm*, ed. Mowlānā Borūjerdī Gholām-Rezā. Ansariyan. [In Arabic]

Darzī, Q., & Qarāmalekī, A. (2020). *Methodology of Interdisciplinary Qur’anic Studies*. Imām Šādiq University. [In Persian]

Dehkhodā, ‘A.-A. (1998). *Persian Dictionary*. University of Tehran Press. [In Persian]

[Fattāhī-Zādeh, F., Reżī Bahābādī, B. S., & Mo’tamid Langarūdī, F. \(2017\). “Exegetical Functions of Qur’anic References in the Sermons of Lady Fātimah \(S\).” *Exegetical Studies Journal*, 8\(30\), 23–42. \[In Persian\]](#)

Group of Authors (2013). *Encyclopaedia of the Holy Qur’an*. Bustān-e Kitāb. [In Persian]

Ḥaddād ‘Ādel, Gh.-‘A. (2003). *Encyclopaedia of the World of Islam*. Foundation for the Encyclopaedia of Islamic Thought. [In Persian]

Hāshimī Rafsanjānī, ‘A.-A. (2004). *Qur’anic Encyclopedia*. Bustān-e Kitāb. [In Persian]

Ḥurr ‘Āmilī, M. b. H. (1997). *al-Fuṣūl al-Muhimmah fī Uṣūl al-A’immah (Supplement to al-Wasā’il)*, ed. Muḥammad b. Muḥammad Ḥasan al-Qā’īnī. Mu’assasat Ma’ārif-e Islāmī-ye Imām Riḍā. [In Arabic]

Ibn Shu‘beh Ḥarrānī, H. b. ‘A. (1984). *Tuḥaf al-‘Uqūl*, ed. ‘Alī Akbar Ghiffārī. Jāme‘eh-ye Modarresīn. [In Arabic]

Ibn Fāris, A. b. F. b. Z. (1984). *Mu‘jam Maqāyīs al-Lughah*, ed. Muḥammad Hārūn ‘Abd al-Salām. Maktab al-‘Ilām al-Islāmī. [In Arabic]

[Kīkhā, F., & Pūdīneh, Sh. \(2020\). “The Concept of Culture in the Qur’an and Review of Cultural Verses.” *7th Scientific Conference on Educational and Psychological Sciences in Iran*. \[In Persian\]](#)

Khurramshāhī, B. al-D. (2002). *Encyclopaedia of the Qur’an and Qur’anic Studies*. Dūstān. [In Persian]

Kulaynī, M. b. Y. (1987). *al-Kāfī*, eds. ‘Alī Akbar Ghiffārī and Muḥammad Ākhūndī. al-Islāmiyyah. [In Arabic]

Khūī, A. al-Q. (2009). *al-Bayān fī Tafsīr al-Qur’ān*. Mu’assasat Iḥyā’ Āthār al-Imām al-Khoei. [In Arabic]

Majlisī, M. B. (1983). *Bihār al-Anwār*. Dār Iḥyā’ al-Turāth al-‘Arabī. [In Arabic]

Majlisī, M. B. (1984). *Mir’āt al-‘Uqūl fī Sharḥ Akhbār Āl al-Rasūl*, ed. Sayyid Hāshim Rasūlī Maḥallātī. Dāral-Kutub al-Islāmiyyah. [In Arabic]

Modīr Shānahchī, K. (1983). *Science of Ḥadīth and Dirāyah*. Jāme‘eh-ye Modarresīn. [In Persian]

Mufīd, M. b. M. (1992). *al-Fuṣūl al-Mukhtārah*, ed. ‘Alī Mīr Sharīfī. Shaykh Mufīd Congress. [In Arabic]

Mufīd, M. b. M. (1992). *al-Irshād fī Ma’rifat Ḥujaj Allāh ‘alā al-‘Ibād*. Shaykh Mufīd Congress. [In Arabic]

Mo’addeb, S. R. (2011a). *Methods of Qur’anic Interpretation*. University of Qom. [In Persian]

Mo’addab, S. R. (2011b). *Foundations of Qur’anic Interpretation*. University of Qom. [In Persian]

Thaqafī, I. b. M. (1990). *al-Ghārāt*, trans. ‘Abd al-Zahrā Ḥusaynī. Dār al-Kutub al-Islāmiyyah. [In Arabic]

- Rajabī, M. (2004). *Method of Qur'anic Interpretation*. Research Institute for Hawzah and University. [In Persian]
- Reḍā'ī Eṣfahānī, M. 'A. (2014). *Logic of Qur'anic Interpretation*. Al-Mustafa International Publishing Center. [In Persian]
- Suyūṭī, 'A. b. A. B. (2001). *al-Itqān fī 'Ulūm al-Qur'ān*, ed. Zamarli Fawz Aḥmad. Dār al-Kitāb al-'Arabī. [In Arabic]
- Sharīf al-Raḍī, M. b. al-Ḥ. (1986). *Khaṣā'is al-A'immaḥ*, ed. Muḥammad Hādī Amīnī. Āstān-e Quds-e Rażawī. [In Arabic]
- Sharīf al-Raḍī, M. b. al-Ḥ. (1994). *Nahj al-Balāghah*, ed. Ṣubḥī Ṣāliḥ. Hijrat. [In Arabic]
- Shahīdī, J. (1999). *Translation of Nahj al-Balāghah*. Scientific and Cultural Publications. [In Persian]
- Ṣādiqī Tehrānī, M. (1986). *al-Furqān fī Tafsīr al-Qur'ān bi-l-Qur'ān wa al-Sunnah*. Farhang-e Islāmī. [In Arabic]
- Ṣadūq, M. b. 'A. (2006). *Ilal al-Sharāyi*. Dāvārī Bookstore. [In Arabic]
- Ṣadūq, M. b. 'A. (1992). *Man Lā Yaḥḍuruhu al-Faqīh*, ed. 'Alī Akbar Ghiffārī. Jāme'eh-ye Modarresīn. [In Arabic]
- Ṭabāṭabā'ī, M. Ḥ. (1970). *al-Mīzān fī Tafsīr al-Qur'ān*. Mu'assasat al-A'lamī. [In Arabic]
- Ṭūsī, M. b. al-Ḥ. (1987). *Tahdhīb al-Aḥkām*, ed. Ḥasan al-Mūsawī Khorasānī. Dār al-Kutub al-Islāmiyyah. [In Arabic]
- Ṭayyib Ḥusaynī, S. M., et al. (2017). *Qur'anic Exegesis: Principles, Sources, Methods and Approaches*. Islamic Sciences and Culture Academy. [In Persian]

How to cite:

Mohaqqueq, Mohammad. (2025). An Analytical Study of the Methods Used by the Infallibles in Referencing the Qur'an to Promote Qur'anic Culture in Society . *Quran, Culture And Civilization* , 6 (2), 65-86.
<https://doi.org/10.22034/jksl.2025.485894.1404>